**گزارشهایی از مراسم های بزرگداشت یاد شاهرخ زمانی در شهرهای کلن، لندن و تورنتو**

**آلمان، کلن**

در شهر کلن روز ١١ آبان (٢٥ اکتبر) مراسم گرامیداشت شاهرخ زمانی و جانباختگان دهه شصت بفراخوان حزب کمونیست ایران، حزب حزب حکمتیست(خط رسمی) و چپ های کلن برگزار شد. در این مراسم شهلا خباززاده از طرف تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران ـ کلن یکی از سخرانان بود.

متن سخنرانی شهلا خباززاده را در این شماره انترناسیونال میخوانید.

**انگلیس، لندن**

مراسمی در گرامیداشت شاهرخ زمانی برگزار شد. بخش اول مراسم پیامهایی از جانب محمد اشرفی عضو کمیته دفاع از شاهرخ زمانی، و بهروز خبار داده شد. ایرج جنتی عطایی شاعر و ترانه سرا با احساسات گرمش اشعاری را خواند. بخش دوم به پیام ها و سخنرانی های احزب و نیروهای سازمانده مراسم اختصاص داده شده بود. در این بخش از برنامه شهلا دانشفر از طرف حزب کمونیست کارگری ایران سخنران کرد. متن این سخنرانی در این شماره انترناسیونال قابل دسترس است.

**کانادا، تورنتو**

در مراسمی که به مناسبت مرگ شاهرخ زمانی برگزار شد، محمد کاظمی یکی از سخنرانها بود. بخشهایی از سخنرانی محمد کاظمی:

شاهرخ زمانی ستاره ای درخشان در آسمان مبارزه برای آزادی، برابری وسوسیالیسم بود!

در تاریخ مبارزات مردم مقاطی وجود دارد که یک فعال اجتماعی و یا یک رهبر کارگری همچون ستاره ای در آسمان میدرخشد و به یک شخصیت اجتماعی تبدیل میشود. شاهرخ زمانی چنین بود. اما شناخت آن شرایط سیاسی - اجتماعی که درمتن آن این شخصیت ها ظهور میکنند مهم است. از طرف دیگر این مسله نیز مهم است که بدانیم که آن شخصیت اجتماعی حائز چه صفات و خصوصیاتی است که به او اجازه میدهد چنین نقشی را بازی کند.

در انقلاب ۵۷ وقتی شعار "کارگر نفت ما رهبر سرسخت" ما در خیابان‌های تهران طنین افکن شد رژیم بزودی فهمید که او باید قبل از هر چیز تکلیف خود را با این طبقه روشن کند. جمهوری اسلامی برای مدت کوتاهی موفق شد که طبقه کارگر را به سکوت وادارد اما این دوران بسیار کوتاه بود. در مملکتی که بر طبق قوانین اسلامی قرار بود اعتصاب حرام باشد، کارگر بی قدر و ارزش و به قول خمینی جلاد، مورچه هم کارگر و حق تعالی مبدا کار و کارگری باشد اعتصابات شروع شد. کارگران خاتون آباد را از هوا به گلوله بستند، خواست کارگران شرکت واحد برای برپایی مجدد سندیکا را به شدیدترین وجه سرکوب کردند اما هرگز نتوانستند صدای کارگران، فعالین و رهبران آنها را خفه کنند. فعالین کارگران مورد شدیدترین شکنجه ها قرار گرفتند؛ بطور مشکوکی در زندانها جان سپاردند ولی با دستگیری هر فعال کارگری، فعال کارگری دیگری پرچم مبارزه را بدست میگرفت.

در چنین فضایی است که شخصیتی مثل شاهرخ زمانی عروج میکند. اگر چه شاهرخ ستاره ای پر نور در آسمان مبارزات اجتماعی بود اما براستی این آسمان پر از ستاره هاست. شاهرخ بر دوش مبارزینی نظیر بهنام ابراهیم زاده، رسول بداغی، محمد جراحی، محمود صالحی، علی نجاتی و ده‌ها فعال کارگری و اجتماعی ایستاده بود. اما توگویی این رسالت سخنگویی برعهده شاهرخ محول شده بود. و این دیگر به شخصیت شاهرخ برمیگشت. شاهرخ کارگری بی آلایش، مهربان در عین حال پیگیر و جسور بود. زندان و شکنجه هرگز نتوانست عزم آهنین او را در هم بشکند. شاهرخ بدرستی میدانست که اگر قرار است شعار "کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما" بار دیگر در ایران طنین افکند رهبران کارگری باید در قامت رهبران اجتماعی قد علم کنند. بیجهت نیست که او از هر مبارزه اجتماعی حمایت میکرد. و بالاخره شاهرخ میدانست که دیر و یا زود جسم و جان او مورد تعرض جانیان و مزدوران رژیم قرار میگیرد و بالاخره نیز چنین شد. ولی او نمیتوانست رسالتی که به او واگذار شده بود و پرچمی که بدوش میکشید را بزمین بگذارد.

شاهرخ دیگر در میان ما نیست ولی پیام هفت تشکل کارگری در مراسم خاکسپاری او آنجا که گفتند: "ما مرگ شاهرخ زمانی را به پرچمی برای اتحاد و همبستگی کارگری که او پیشتازش بود تبدیل خواهیم کرد" نشان داد که پرچمی که او بدوش گرفته بود بزمین نیفتاده است. شاهرخ زنده است چرا که جنبش کارگری و سایر جنبش‌های اجتماعی زنده هستند.

زنده باد شاهرخ زمانی؛ بالنده بود مبارزات مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی.

زنده باد درخت سبز زندگی.